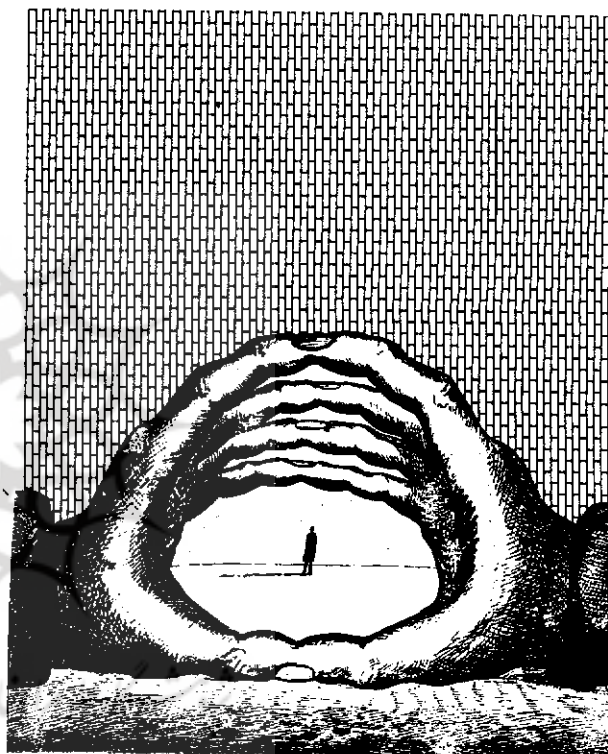


# اقتصاد جهانی

## قسمت چهارم

### وحشت نیروی کار



اروپا نیز (بهرغم آهسته‌تر بسودن) افزایش داشته‌است. به‌طور کلی بنظر می‌رسد که تولید کنندگان جهان سوم از برتری چشمگیری برخوردارند. دستمزد یک کارگر تولیدی در آلمان (با احتساب سایر هزینه‌ها مانند تامین اجتماعی) ساعتی ۲۵ دلار و در آمریکا جنوبی به ۵ دلار، در مکزیک به ۲/۴ دلار، در لهستان به ۱/۴ دلار و در کشورهای چین، هندوستان و اندونزی حداکثر به ۵ سنت می‌رسد (نمودار ۹). این شکاف آنقدرها هم که بنظر می‌رسد بزرگ نیست. دستمزدهای بالای کشورهای ثروتمند با افزایش بهره‌وری آنها توجیه‌پذیر است. ولی از بین رفتن موانع تجاری و همچنین ارزانترو بهتر شدن حمل و نقل و ارتباطات موجب شده است تا تکنولوژی حامی بهره‌وری با سرعت بیشتری از مرزها عبور کند. در نتیجه، نگرانی کشورهای ثروتمند از اینست که آیا دستپاچی تولید کنندگان جهان سوم به تکنولوژی جهان اول، آنها از قدرت رقابت بسیار چشمگیری برخوردار خواهند شد. آیا واقعا "این کار به بیکار شدن میلیونها نفر در جهان ثروتمند می‌انجامد؟

در طول دوره‌ای زمان، به زغم هر رویدادی که در جهان سوم رخ بدهد میلیونها نفر به ترتیب بیکار خواهند شد. زیرا اقتصاد کشورهای ساکن و ثابت نخواهد ماند. مسلما اینست که آیا رشد سریع کشورهای در حال توسعه باعث می‌شود تا سرعت این فرایند بیشتر از حد تحمل شود یا نه؟ بهره‌وری در کشورهای در حال توسعه، بدلیل سطح آموزش پایین و زیر ساختار سست، برای سالها در ازحتی با وجود آخرین تکنولوژیها، بسیار پایین‌تر از بیشتر صنایع کشورهای ثروتمند باقی

خواهند ماند. نازمانی که کشورهای ثروتمند از استانداردهای بالایی آموزشی، مدیریت بهتر و زیرساختار برتر برخوردار هستند - یعنی تا هنگامی که میانگین بهره‌وری آنها بالاتر باشد - دستمزد کارگران آنها نیز همچنان بیشتر از کارگران کشورهای در حال توسعه خواهد بود.

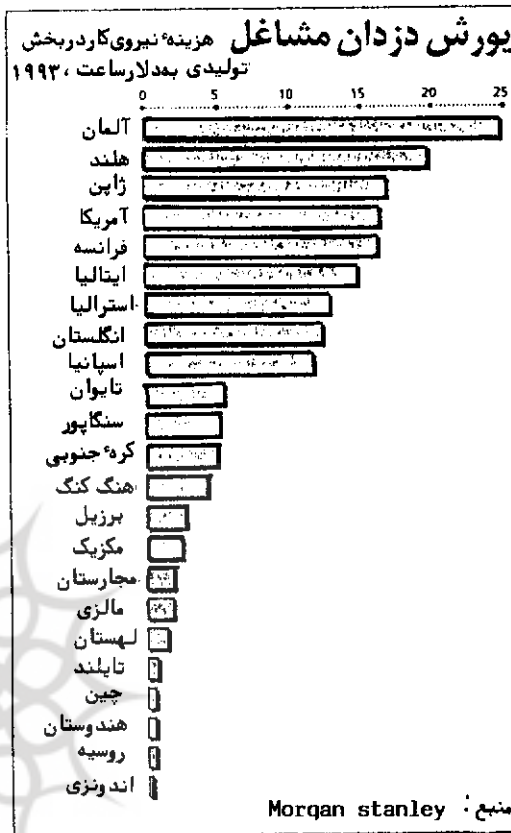
تجرب نشان می‌دهد که اگر بهره‌وری در یک کشور در حال توسعه افزایش یابد، دستمزد هان نیز به تبع آن بالا می‌رود. در واقع، مواردی نیز وجود خواهد داشت که شرکت‌های منفرد بهره‌وری خود را بسطح بهره‌وری آمریکا می‌رسانند ولی دستمزد هایشان (که میانگین بهره‌وری در اقتصاد آن را تعیین می‌کند) نسبت به آمریکا افزایش بسیار کمتری پیدا می‌کند. برای مثال، بر اساس بررسی مؤسسه جهانی مکنزی بهره‌وری کشورهای آمریکا لاتین در سالهای اخیر افزایش چشمگیری داشته است. مثلا، تولید فولاد در مکزیک به ازای هر کارگر از ۲۱ درصد تولید آمریکا در سال ۱۹۸۹ به ۳۷ درصد در سال ۱۹۹۳ افزایش یافت. با این حال، هزینه دستمزد هان نسبت به آمریکا کمتر از یک ششم است. در این گزارش نتیجه‌گیری شد که شرکت‌های فولاد سازی آمریکا لاتین می‌توانند بهره‌وری خود را با سرعت به میزان ۸۰ درصد از بهره‌وری آمریکا برسانند. از سوی دیگر، دستمزدها یکشبهه و برابر نخواهد شد، در نتیجه برتری رقابتی شرکت‌های فولاد سازی آمریکا لاتین می‌تواند بسیاری از کارگران آمریکایی را از کار بیکار کند.

با این حال، بهبود بهره‌وری در بخش کالاهای تجاری کشورهای جهان سوم احتمالا "بازینه" بالا خواهد بود. برای مثال، میانگین افزایش نرخ

مشاغل تولیدی منجر شده است. در همین مدت، میانگین دستمزدهای واقعی در آمریکا ثابت ماند مونا برابری در پرداختها افزایش یافته است. از طرف دیگر، بیکاری در اروپا نیز روبه افزایش بوده است.

واردات کالاهای صنعتی آمریکا از کشورهای در حال توسعه از ۵ درصد ارزش تولیدات صنعتی در سال ۱۹۷۸ به ۱۱ درصد در سال ۱۹۹۰ رسید. صادرات جهان سوم به این واتحادیه

انفجار تجارت بین‌المللی باعث پیوند بازارهای کار کشورهای توسعه یافته با بازارهای کار کشورهای در حال توسعه به نحوی بسیار عمیق شده است. هم اینک برخی افراد ادعا می‌کنند که رقابت از جانب نیروی کار از ران جهان سوم موجب کاهش دستمزد نیروی کار جهان ثروتمند یا بیکار شدن کارگران آنها خواهد شد. در طول دهه گذشته، افزایش واردات کشورهای ثروتمند از کشورهای در حال توسعه در واقع به کاهش



استان نفورد، "صنعتی نشدن" بمخاطر رقابت خارجی باعث کاهش میانگین دستمزدها به کمتر از ۰۷/۵ درصد از درآمد ملی شد ما است.

دلیل واقعی رکود میانگین دستمزدهای واقعی در آمریکا کاهش رشد بهره‌وری، بویژه در بخش خدمات، بود ما است. اگر آمریکا ثبها خواهان افزایش چشمگیر دستمزد واقعی باشند باید بهره‌وری خود را افزایش دهند. البته علائم امیدوارکننده‌ای نیز وجود دارد: در چند سال گذشته، رشد بهره‌وری در بخشهای تولیدی و خدمات چشمگیر بوده است.

### شکاف روبه افزایش

حتی اگر تجارت با کشورهای در حال توسعه باعث کاهش میانگین دستمزدها نشد ما باشد، آیا می‌توان آن را دلیل افزایش اختلاف دستمزدها در آمریکا دانست؟ در طول دهه ۱۹۸۰، دستمزد، یک فارغ التحصیل مورد دانشگاه نسبت به کسانی که تنها

دیپلمات را به پایا ن رسانده بود ند تا ۳۰ درصد افزایش نشان می داد. دستمزدهای واقعی مردان جوان که کمتر از ۲۱ سال تحصیل کرده بودند تا ۴۰ درصد کاهش یافت. بر اساس گزارش "سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه" تا برابری دستمزدها در طول دهه ۱۹۸۰ در ۱۲ کشور از ۱۲ کشور صنعتی مورد بررسی با افزایش همراه بود ما است. بیشترین افزایش مربوط به آمریکا و انگلستان بود (به نمودار ۱۰ نگاه کنید). افزایش اختلاف دستمزدها در بیشتر کشورهای قاره اروپا زیاد نبوده است.

افزایش اختلاف دستمزد کارگران ماهر و غیرماهر دقیقاً "چیزی است که

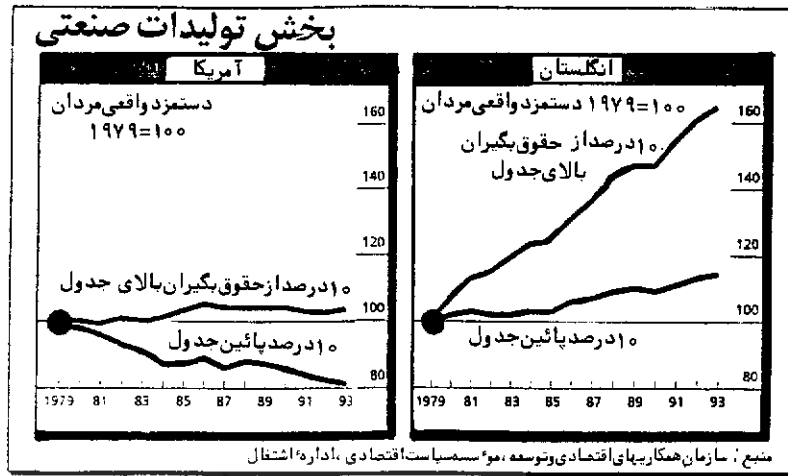
در تئوری اقتصادی پیشبینی شد ما است در قضیه استالپر سا موئلسون (کسدر سال ۱۹۴۱ توسط پل سا موئلسون و ولفگانگ استالپرا ارائه شد و بعضاً "به قضیه" قیمت عوامل در وضع تعادل" مشهور است) پیشبینی شد ما است که حذف موانع تجاری باعث کاهش درآمد یکی از عوامل تولید خواهد شد که در این مورد نیروی کار غیرماهر است که به نحو گسترده‌ای برای کالاهای وارداتی بکار می‌رود، و همچنین باعث افزایش درآمد یکی دیگر از عوامل تولید می‌شود که در این مورد نیروی کار بسیار ماهر است که در زمینه صادرات به نحو گسترده‌ای استفاده می‌شود.

برخی افراد این نظریه را سو تعبیر کرده ما ند بدین ترتیب که میانگین دستمزد ها در کشورهای ثروتمند از این نظر کاهش خواهد یافت که صادرات کشورهای در حال توسعه کار بر خواهد بود. در حالی که بازده سرمایه به دلیل سرمایه‌بر بودن صادرات افزایش می‌یابد، ولی اکنون حرکت سرمایه بین کشورهای آزاد است. در نتیجه تفاوت نمایی بین عوامل اقتصادی کشورهای ثروتمند و فقیر در اینست که کشورهای ثروتمند از نیروی کار ماهر نسبتاً فراوان برخوردارند در حالی که نیروی کار غیرماهر تقریباً "کمیاب است. در مقابل، کشورهای فقیر از امتیاز نیروی کار غیرماهر برخوردار است. داد و ستد با کشورهای در حال توسعه به پائین آمدن میانگین دستمزد ها منجر خواهد شد، بلکه توزیع آنها را تغییر خواهد داد.

قضیه استالپر - سا موئلسون را می‌توان بدین ترتیب تفسیر کرد که اگر یک کشور صنعتی با یک کشور در حال توسعه تجارت کند، در نتیجه کالاهای تخصصی بر (skill-intensive) را صادر

رشد میانگین درآمد های واقعی (از جمله مزایای شغلی مانند بیمه درمانی) از سال ۱۹۷۳ تنها ۳/۴ درصد در سال بود، کما نهم در پی رشد سالانه ۲ درصدی در طول دودهه پیش از آن بود ما است. اگر بخواهیم توضیح مناسبی برای این رکود ارائه کنیم باید بگوئیم که تجارت باعث شده ما است تا مشاغل تولیدی پر درآمد با جایگزین شدن با مشاغل خدماتی پست آسیب ببینند. رشد واردات آمریکا از جهان سوم بیشتر از اروپا و ژاپن بوده است. با این حال، عدم توازن تجارت صنعتی آمریکا آنقدر اهمیت ندارد که نیازی به تشریح دستمزد پائین در اقتصاد باشد. بر اساس محاسبات "پل کروگمن"، استاد دانشگاه

سالانه دستمزدهای واقعی در کره جنوبی در دودهه گذشته ۸ درصد می‌رسید در حالی که این رقم در کشورهای ثروتمند ۲ درصد بود. اگر به رغم بهبود بهره‌وری دستمزدها پائین بماند، در نتیجه افزایش مازاد حساب جاری موجب افزایش ارزش نرخ ارز خواهد شد. واقعیت اینست که در گذر شش دهه اخیر از بیرونی‌ها آسیا، بویژه کره جنوبی و تایوان ارزش پول ملی خود را بسیار پائین نگه داشتند تا از برتری رقابتی برخوردار باشند. ولی اکنون در دنیای انتقال آزاد تر سرمایه‌ها انجام آن دشوار تر خواهد بود. اما در مورد رکود درآمد های واقعی در آمریکا طی ۲۰ سال گذشته چطور؟



می دانند تکنولوژی جدید ما نرسد ریز پر ازنده ها و روباتها است .  
سایرین با این نظر پیمخالفند . میشل وبرنشتاین ، اقتصاددانان "مؤسسه" سیاست اقتصادی " درواشنگتن ، تلاش کرده اند تا تغییر تکنولوژی را به طور مستقیم ارزیابی کنند . آنها هیچ مدرکی پیدا نکردند که نشان دهد سرعت تغییر تکنولوژی یکی در دهه ۱۹۸۰ بیشتر از دهه ۱۹۷۰ بود . ماست و بنا بر این نتیجه گرفته اند که تغییر تکنولوژی یکی نمی توانسته عامل اصلی افزایش نابرابری دستمزدها که متعهد را وارد کرده ۱۹۷۰ آغاز شد . باشد . اعتراض مهمتر اینست که تغییر تکنولوژی یکی ، بویژه از نوع کاراندوز ، ممکن است تا حدی به مخاطر افزایش رقابت از جانب تولید کنندگان کم مسزد بوجود آمد با باشد .

### خطر در انبار چوب

در آنسوی این بحث ، آدریان وود ، اقتصاددان انگلیسی دانشگاه ماسکس ، قرارداد کمعقد است افزایش تجارت با جهان سوم دلیل اصلی کاهش اوضاع اقتصادی کارگران غیرماهر است . وود در یک کتاب جنجال برانگیز که سال گذشته منتشر شد نتیجه گرفته است که تجارت با کشورهای در حال توسعه باعث شده است تا تقاضا برای کارگران ساده در کشورهای توسعه یافته مدتر طول ۳۰ سال منتهی به سال ۱۹۹۰ تا ۲۰ درصد کاهش یافته است ، و سه چهارم این رقم نیز مربوط به دهه ۱۹۸۰ بوده است . این کاهش در آمریکا و تا حدی در انگلستان به صورت افزایش نابرابری درد دستمزدها خود نمایی کرده است ، ولی در عوض در قاره اروپا ، که به خاطر وجود اتحادیه های کاری و حداقل دستمزد میزان پر داخته تقریباً ثابت بیشتری

صنعتی کاربر غیرماهر در طول دهه ۱۹۸۰ در آمریکا واقعا " افزایش یافته است .  
لارنس واسلا تریما زما پیش دیگری دست زدند : به استدلال آنها ، اگر قرار باشد تجارت مسبب افزایش نا برابری دستمزدها قلمداد شود ، می توان انتظار کاهش نسبت نیروی کار ماهر به غیرماهر را داشت . دلیل این امر اینست که با توجه به تعداد ثابت نیروی کار ماهر ، تنها راهی کمی توان تولید را به سوی بخشهای تخصصی بر هدایت کرد . اینست که شرکتها بتوانند در نیروی کار ماهر پر هزینه صرفه جویی کنند . ولی بازم باید گفت که به نظر می رسد دقیقاً " خلاف این اتفاق افتاده است : بدین معنی که در تمام بخشهای تولیدی نسبت کارگران ماهر به غیرماهر افزایش داشته است . اقتصاددانان به این نتیجه رسیده اند که اگر تقاضا برای نیروی کار غیرماهر کاهش یافته به خاطر برخی از عوامل مشترک بود . است که روی تمام بخشها اثر می گذارد ، و نه به خاطر تجارت . کموجب تغییر در ترکیب صنایع می شود . چیزی که آنها آن را مقصر

مطابقت دارد . با این حال ، این مسئله که کالا های جهان سوم واقعا " تا چه اندازه باعث افزایش نابرابری دستمزدها در آمریکا شده ، هم اکنون به صورت موضوع مورد بحث اقتصاددانان در آمده است .  
در چندین بررسی تلاش شد ماست تا این ادعای واهی که تجارت جهان سوم مسبب کاهش دستمزدهای واقعی کارگران ساده آمریکا است از بین برود . رابرت لورنس و ماتیوا سلا تریما یکی از بررسی ها استدلال می کنند از آنجا که تجارت بین المللی با اثر خود روی قیمت های نسبی باید دستمزدهای نسبی را نیز تحت تاثیر قرار دهد ، پس اگر نظریه استالیرت سامولسون درست باشد و تجارت باید سرزنش شود ، این انتظار را نیز باید داشت که قیمت کالاهایی که عمدتاً " با نیروی کار غیرماهر تولید می شود نسبت به قیمت کالاهایی که از نیروی کار ماهر استفاده می کنند کاهش یابد . با این حال ، ظاهراً " تحقیقات آنها خلاف این موضوع را نشان می دهد : آنها متوجه شدند که قیمت نسبی کالاهای

و کالاهای غیر تخصصی را وارد می کند . در یک کشور ثروتمند ، با توجه به رقابت خارجی ، قیمت کالاهایی که عمدتاً " با نیروی کار غیرماهر تولید می شود نسبت به قیمت کالاهایی که نیروی کار ساده آنها را تولید می کند کاهش خواهد یافت ، که باعث تشویق تولید در صنایع تخصصی برو کاهش آن در صنایع غیر تخصصی می شود . به همین ترتیب ، تقاضا برای نیروی کار غیرماهر کاهش می یابد و دستمزدها نسبت به دستمزدهای کارگران ماهر پایین می آید . در کشورهای در حال توسعه نیز عکس این قضیه اتفاق می افتد : یعنی دستمزدها در کارگران غیرماهر نسبت به دستمزدها در کارگران ماهر افزایش خواهد یافت .  
بدین ترتیب بنظر می رسد که نظریه تجارت بین المللی این استدلال قوی را ارائه می دهد که رقابت از جانب کشورهای در حال توسعه سریع رشد باعث کاهش تقاضا برای کارگران غیرماهر و در نتیجه پایین آمدن دستمزدها خواهد شد . این نظریه حتی با ماروارقام چندین کشور نیز





## IRAN COMMERCE

توزیع بروشورهای تبلیغاتی  
از طریق نشریات اتاق بازرگانی و صنایع  
و معادن ایران

به منظور ارائه خدمات جدید به جامعه صنعتی، بازرگانی و اقتصادی کشور از طریق نشریات اتاق ایران شامل «نامه اتاق بازرگانی» (ماهنامه فارسی)، «فصلنامه ایران کامرس Iran Commerce» (نشریه سه ماهه به زبان انگلیسی) که در سطح کشور و در محافل اقتصادی و بازرگانی سراسر جهان توزیع می‌شوند، روابط عمومی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران آمادگی خود را برای توزیع بروشورهای تبلیغاتی مربوط به معرفی فرآورده‌های شما را همراه با نشریات مذکور اعلام می‌دارد. به این ترتیب بروشورها و نشریات تبلیغاتی شما به صورت جهانی و فزاینده همراه با نشریاتی که در سراسر جهان خواننده دارد، توزیع می‌شود.

به منظور خدمت به اعضای اتاق هزینه توزیع به شکل مذکور معادل هزینه‌های آگهی در نشریات مورد بحث در نظر گرفته شده است.

بدیهی است نشریات تبلیغاتی و بروشورهایی به این ترتیب توزیع خواهد شد که از نظر انتشاراتی منطبق با موازین آگهی‌هایی که نشریات براساس قانون مطبوعات اجازه انتشار آنها را دارد، باشد.

برای کسب اطلاع بیشتر با تلفن شماره ۸۲۸۳۳۳ و فاکس شماره ۸۸۲۵۱۱۱ دفتر روابط عمومی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران تماس حاصل فرمائید.

بخشهای صادراتی کاراتر و ماهرتر تمام خواهد شد. تعرفه‌های وارداتی نقش مالیات را برای صنایع صادراتی ایفا می‌کنند. هزینه مواد اولیه را افزایش می‌دهند و منابع را از مسیر ساده مولد خارج می‌کنند. در درآمدت، تجارت با کشورهای در حال توسعه تا ثیر اندکی روی اشتغال کلی خواهد داشت، و به آسانی نیروی کار را از صنایع رقابت کننده با واردات به صنایع صادراتی منتقل می‌کند. و نظریه اینکه، این کار به معنی چرخش مشاغل از صنایع غیر ماهر به صنایع و خدمات پرمهارت خواهد بود، باید مفید باشد زیرا میانگین کیفیت مشاغل و در نتیجه میانگین دستمزدها را افزایش خواهد داد. برای مثال، در آمریکا کارگرانی که در مشاغل صادراتی کار می‌کنند ۱۷ درصد بیشتر از یک کارگر معمولی است. بگذرید چینی عروسک بسازد، در عوض آمریکا نیز هواپیما و دارو تولید می‌کند.

اشکال کار مرحله گذراست: دستمزدها کارگران بسیار ماهر چشمگیر خواهد بود، ولی برای کارگران ساده مشکل است که خود را به کارگر ماهر تبدیل کنند. در آمریکا این امر به معنی افزایش بیشتر ناآبرویی دستمزدها و در اروپای سخنگیر به معنی بیکاری بیشتر خواهد بود. این وضعیت به اندازه کافی ناخوشایند است ولی آنچه کم‌کم آن را ناخوشایندتر می‌کند عامل دیگری است که در نظریه مزیت نسبی ریکاردو آمده بود: آزادی حرکت سرمایه گذار بهای جدید بین شرکتها.



ادامه دارد

ساکس و شاتز نتیجه گیری می‌کنند که هم تجارت و هم تکنولوژی در کم کردن توان اقتصادی کارگران ساده نقش داشته‌اند.

به طور خلاصه، نمی‌توان به راحتی گفت که تجارت هیچ ارتباطی با کاهش قدرت اقتصادی کارگران غیر ماهر آمریکا نداشته است. مزیت نسبی کشورهای ثروتمند نیروی کار ماهر آنهاست، بنابراین نباید جای تعجب داشته باشد که کارگران ماهر بیشترین استفاده را ببرند. در واقع شگفت آور اینست که بسیاری از اقتصاددانان تجاری رابطه میان تجارت و تغییر دستمزدهای نسبی را رد می‌کنند، در حالی که تمام نظریه تجارت بین المللی را - که این رابطه را تأیید می‌کند - می‌پذیرند.

تجارت می‌توانست تأثیر نسبی روی دستمزدها و کارگران ساده در گذشته داشته باشد، ولی باید توجه داشت که واردات کالاهای صنعتی از کشورهای در حال توسعه نسبتاً اندک بوده است، با افزایش این واردات، پیامد آن نیز افزایش خواهد یافت. و در نتیجه ماگر دستمزدهای نسبی و اشتغال نیروی کار غیر ماهر با شدت بیشتری در سالهای آینده کاهش یابد، دولتها باید از هم اکنون خود را برای پیامدهای آن آماده کنند. یک راه حل ناخوشایند اینست که فشار زیادی برای انجام اقدامات حمایتگر ایا نه صورت گیرد.

قضیه استالین - ساموئلسون یک نتیجه به همراه دارد: حمایتگرایی می‌تواند درآمد عامل تولید را که در واردات بیشترین استفاده از آن می‌شود افزایش دهد. به عبارت دیگر، یک کشور می‌تواند از موانع تجاری برای حفظ مشاغل خود در صنایع غیر ماهر استفاده کند. ولی این کار به ضرر مشاغل